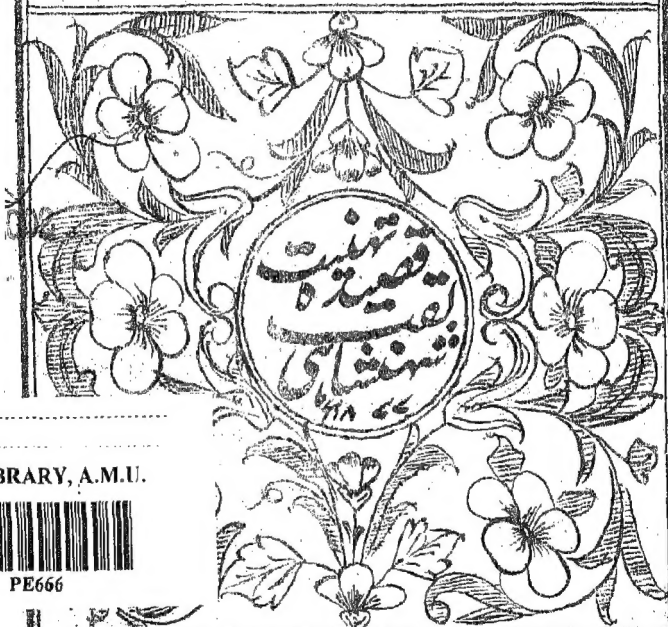




ما شاء الله لا قوة الا بالله

001



M.A.I LIBRARY, A.M.U.



PE666



در طبع نفیسی از نو کشور طبع کردید



قصیده تهنیت خطاب شهنشاهی
ملک معظم و کتوریا زاد اقبالها

از سید وحید الدین جان بهادر آزاد

ساکن نیرا قریب انارپور

امپرس و کتوریا باد اجلاالت برقرار

نمبر ۱

پتیر عدالت قائم و امن خلایق استوار

هر مجبئی امپرس و کتوریا دائم بود

نمبر ۲

بر مخالف فتنه و بر رعایا سایه دار

هر رعیت بادشاه ذات خود در عهد تو

نمبر ۳

هر چه خواهد غیر فتنه میتوان کرد اختیار

شاه شایان فخر شایان بی مسکونی

نمبر ۴

این خطابت که شنیده شد بحق دار و قرار

تو غلامی و کنیزی بر ننگندی از جهان

نمبر ۵

جمعه شایان حکم این عدالت بگردن اختیار

گر شب است اینجا خود آرزوست در یکی دیگر

نمبر ۶

شمس طالع باشد اندر ملک تو دایم بکار

مهرش می خیزد افیه اخبار میداند که هست

نمبر

حکم تو جاری با مرگه و این تنه می دیار

با خبر از یورپ از یقین و همیشیا

نمبر

حکم تو فرمان روا بر جمله این ملک و دیار

لذت مرصع شده آفاق عالم تمام

نمبر

رای تو غالب بود در سلطنت با باوقار

بخت آن ملک چه خوش گان است اندر نظم تو

نمبر

چون عروست کوز مشاطه سراپا بزنگار

نمبر ۱۱	رهنر نی سدر و هر جا امن آسایش خلق
نمبر ۱۲	راه صاف و پوست آفس هم سرامی شده تاریقی ریل گاڑی فاصله کا قصر کو
نمبر ۱۳	چھاپہ و اخبار از کثرت بود و هر دیا کالج و اسکول هم دار الشفا اسباب فین
نمبر ۱۴	جا بجا افراط و در و بحساب و بے شمار جنڈا پسران تو منسوب باؤنکارک دروس
	لیکن این صیلت چه باشد پیش تو در کارزار

با چنین گردخت تو منسوب شد با جرمی

نمبر ۱۵

ایچ آنزای شماری در امور کار و بار

روم گر خائف بود از روس مستظهرت

نمبر ۱۶

روس از تو ترسد و بر خود می پید چو بار

قوت بحری تو اعظم مادل در جهان

نمبر ۱۷

بس جهازات ترا دانم که گردان چرخ دار

بجز و بر از درون و بهم برون پیوده اند

نمبر ۱۸

ملک های نو بر آورند و گردن آشکار

نمبر ۱۹

سی هزار از طالبان علم کی دیده شد

کالج اکسفورد را طالب نوشته شرح واد

نمبر ۲۰

قوم من صد حیف جاہل پر چند از علم عالم

بخیر از حال دنیا و در ترقی بر کنار

نمبر ۲۱

هست قومی من محصور در شادی بیاہ

چینی بہرہ اساتذہ و ہندی شناساتہاں رہا

نمبر ۲۲

لیکن اکنون بعضی از قوم ترقی میکنند

رفته رفته چه عجب گر جای یا بند در شمار

این پیل کوئی که تو داری متاعی بس عزیز

نمبر ۲۴

اسن و آسایش مخلوق و بادشاهت اوقار

هیچ دیگر سلطنت را نیست بهره زین کتاب

نمبر ۲۵

قسم حکم هم سزا و جرم در وی شرح دار

چون کسی باید سزا هم میتوان کرد او پیل

نمبر ۲۶

تا ثبوت جرم یا عدش بگرد و آشکار

فته و آشوب یورب آنکه یونا پارٹ بود

نمبر ۲۷

دست انگلس برگرفت و قید کردش در حصار

سینٹ ہلینا بحسب ادگشت تار و زخیر

نمبر ۲۰

روس و جرمن مٹھیں گشتند از خوف فشار

بس جہازات فرینسی بکیم شد اسیر

نمبر ۲۱

گو فرسا دو یمن در جنگ بحری در شمار

کرسی افلاک را بهیوده نارم زیر پا

نمبر ۲۲

ارسلان پشت چه باشد تو خدا را نبوده دار

تو پراگشتنت مہتی ہم فری مشین طریقی

نمبر ۲۳

زمین سبب رحم و کرم داری طبیعت استوار

۱۰
مادی تو به ولی با شبل رحم بر دشمن کنی

نمبر ۱۳۳

در عوض رحمت بیای بی از حضور کردگار

با یتیم و بیوه انگش خوش سلوکی کرده اند

نمبر ۱۳۴

مید به قدری مناسب هر کسی در این دو کار

پس یتیمان را شود تعلیم در اسکول ها

نمبر ۱۳۵

و آن یتیمان بعد فرصت میروند در کار و بار

زین سبب تعلیم طفل بی پدر هم خوب است

نمبر ۱۳۶

بیوه هم از فکر نفقه بی تکلف رستگار

افلیک خاگوگاہی چنین شد اجتماع	نمبر ۲۵
دہلی دربار سے کہ شد باشد ہمیشہ یادگار	
بہی مدراس پنجاب و ممالک مغربی	نمبر ۲۶
جملہ بنگال و بہار دادودہ و ملک ماردار	
راجپوتانہ سیند پٹیا جمہ و ہولکر شیوا	نمبر ۲۷
تال بھوپال و بھو راہم نظام و گیکوارہ	
کل گورنر چٹ کشنر باہمہ لکھنٹ ہا	نمبر ۲۸
ولیسرا تہنیت خوان شاہ را از جان نثار	

نمبر ۳۰	جمله این روسای هندو هم سفیر یافتند
نمبر ۳۱	در حضور ولیعهد حاضر مودب پر وقار کاشحه مانند و گونه حاضر بود چون شاه سیام
نمبر ۳۲	لیک ایلمچی های آنها تمهید را در قطار در صناعت هم تجارت در علوم هم فنون نیست قومی پنچو نگلش بزرگین کامل عیار بر درت آزاد گوید سال باروی دعا
نمبر ۳۳	از مپرس و کتور یا د انم مبارک تاجدار تعمیه روی دعا

غزل

چند غزلهای طبع زاده جناب مولوی سید

وحید الدین جان صاحب بهادر آزاد

ساکن بنیو را قریب دانا پور

نمبر

در انجیل حبلی تحریک نوکن

محبت با عسد و تسخیر نوکن

نمبر

تو خود نیکی و نیکی کن بحکم

نمبر ۱

نگوئی با بدان تعزیر نو کن

من و او هم گناهم جلد یک است

نمبر ۲

پیشش رو همین تفسیر نو کن

چو مسکین و غریب باشد ترا دل

نمبر ۳

ز بخت نیک دان تفسیر نو کن

ترحم بر غریبان نقش دل ساز

نمبر ۴

برائے حفظ خود تدبیر نو کن

نمبر ۶	خواب دوش دیدم زلف او را
نمبر ۷	مقید کرو یا تعبیر نوکن
نمبر ۸	دلی آواره دارم نامقید
نمبر ۹	چو پشت آدمم نخبیر نوکن
نمبر ۱۰	برگابنت رسیدم طالب خیر
نمبر ۱۱	گدائے پیر را تو قیر نوکن
نمبر ۱۲	چو عفویش برآمد از گنایان
نمبر ۱۳	چو پروا باشدت تقصیر نوکن

دلت بوسیده گشته از گناہان

نمبر ۱

این دل بیرون آتھیر نوکن

نوشا وقتی کہ گوئی توبہ آزاد

نمبر ۲

بیا اے عاشقم زنجیر نوکن

عزل دیگر

نمبر ۳

امداد فضل تو چو بود بر پناہ ما

نمبر ۴

دارا چه خوف هست ز کار تبار ما

هر چند واجب است سرای گناهین

نمبر ۱

اما که عفو تو بزداید گناه ما

آن بیت اقدسی که در آن اینیایند

نمبر ۲

تعظیم آن مکان بودم در نگاه ما

انچه که وعده بود بذات تو شرفا

نمبر ۳

دائم توئی مسیح زرب اله ما

ای ذات احمدی که تعبد ترا حسب

نمبر ۴

موجود و رهنما و رسولی براه ما

جانم فدای نام تو ای شاه کربلا

نمبر ۷

ظلمی که بر تو رفت گواه است آه ما

هیهات که نجف نروم تا تمام عمر

نمبر ۸

آرا و در و دل برسان تا پیشاه ما

عزل دیگر

نمبر ۹

پرست و یار و رفیقان هم

نمبر ۱۰

هر لحظه بکنم که این و آن هم

پوستہ ندی دہی تو دشت نام

نمبر ۲

بے انس مشوید زبان ہم

مغور مشو بکار و نیا

نمبر ۳

باند نہ مکین نہ این مکان ہم

ہر شے کہ نظر کنم بعالم

نمبر ۴

مقصود توئی زول و جان ہم

بے شہرہ مرا تو دوست داری

نمبر ۵

معلوم چشم و ابروان ہم

نمبر ۶	اسے جان اگر تو خون داری
	بخیوت روی و شادمان ہم
نمبر ۷	آزا و تولی و حید دوران
	در فضل و نہر و خاندان ہم

لہذا محمد و المنہ کہ این قصیدہ تہنیت خطاب بشہنشاہی ملکہ معظمہ و ام قباہا
 از تصنیف جناب مولوی سید وحید الدین خان صاحب
 بہادر المتخلص بہ آزا و ساکن نیورا خاص متصل و نا پور
 در مطبع نشی نو کشور کائنو ماہ جنوری ششراح طبع یافت

٥٢٤٩

٨٩١٥٥١٢٢

This book is due on the date
last stamped. A fine of 1 anna
will be charged for each day the
book is kept over time.

٧٧٧

٨٩١٥١٣٢
٤٦٦
قصيدة تهنيت
